یادداشت های شهر شلوغ

همین دست‌فرمان را ادامه بدهید!

[شهروند] همچنان موضوع استیضاح وزیر اقتصاد و حذف معاون راهبردی رئیس جمهور در صدر توجه رسانه ها و مطبوعات قرار دارد. البته از آنجایی که استعفای ظریف هنوز از سوی پزشکیان پذیرفته نشده، بیشتر تحلیل ها پیرامون اقتصاد می گردد تا دیپلماسی. با این همه هنوز هم نمی شود دریافت کرد که تبعات این حذف و اضافه ها در کابینه چه خواهد شد و چه اتفاقاتی در پیش روی دولت و ملت است....

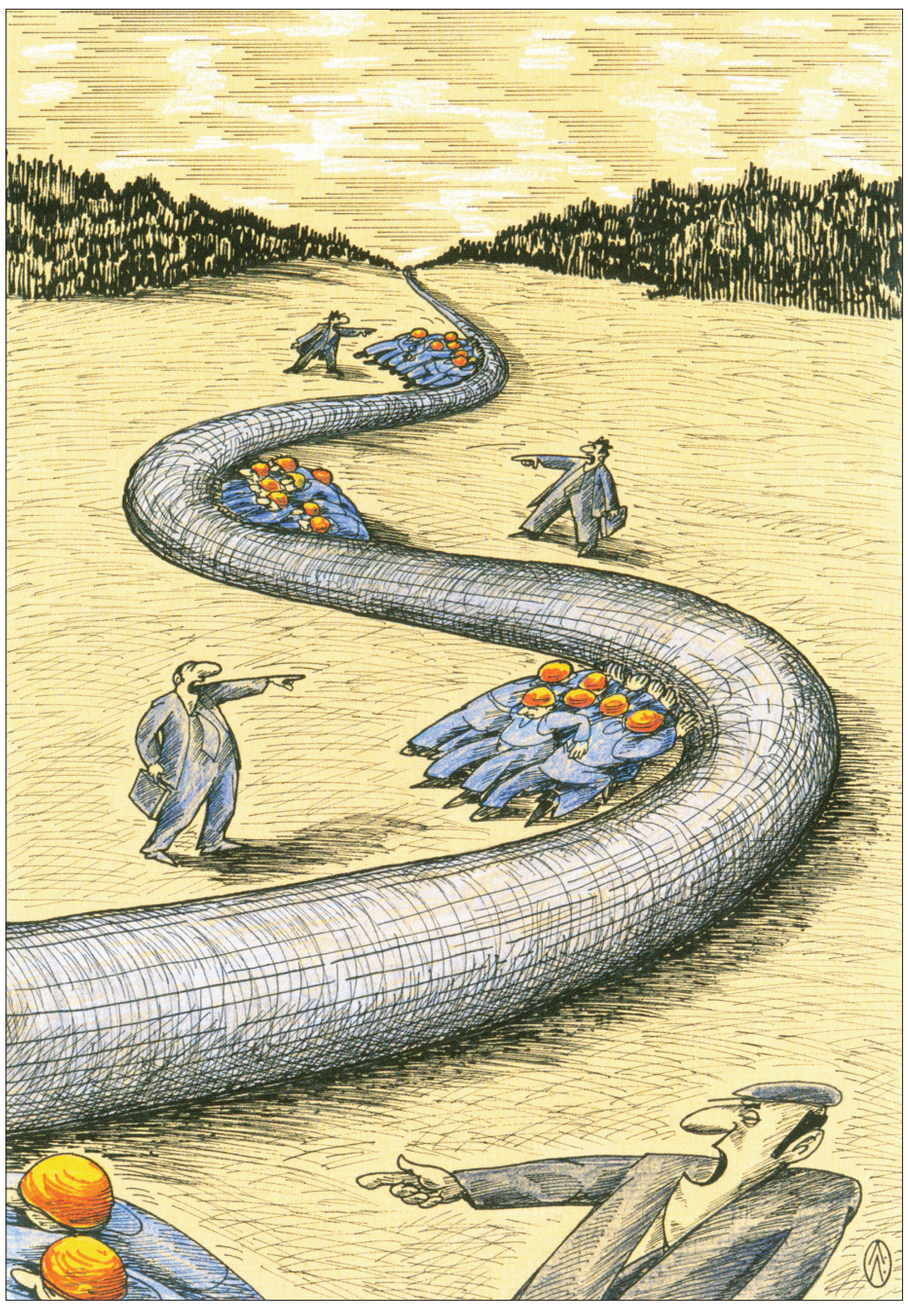

کسانی که با روش شما مخالفند، دیکتاتورند!

تحلیل رفتار پزشکیان پس از استیضاح همتی و استعفای ظریف نقل محافل شده است. از جمله محسن مهدیان، مدیرمسئول روزنامه همشهری، در یادداشتی با عنوان «خیرخواهانه با رئیس جمهور درباره وفاق» رئیس دولت چهاردهم را برادامه راهش با تکیه بر وفاق ملی تشویق کرده است.

او در این زمینه نوشت: از روز یکشنبه که آقای همتی استیضاح شده است برخی از طرفداران سنتی رئیس جمهور محترم، پایان وفاق را اعلام کرده اند. بهانه چیست؟ چرا یکی به رأی نماینده ها استیضاح و دیگری به حکم قانون ناگزیر از استعفا شده است؟

اما سخن خیرخواهانه با آقای رئیس جمهور این است که همین خط صادقانه ای را که پیش گرفته اید ادامه دهید و از زیاده خواهی بدخواهان تأثیر نگیرید.

خالصانه باید گفت که درست تشخیص داده اید. مهم تر از وفاق نداریم. وفاق هدف نیست ولی مهم ترین وسیله است. ما با وفاق به همه جا خواهیم رسید. وفاق، فناوری به کارگیری قدرت جمع برای رسیدن به اهداف بلند است. تشخیص درستی داده اید. در کشور ما بهترین تصمیم ها نیز بدون وفاق نتیجه نخواهد داد. وفاق راه و رسم تعامل اخلاقی برای برداشتن بارهای بزرگ است.

اما وفاق چه نیست؟ وفاق حتما یکی شدن نیست. حتما نعل به نعل دولت راه رفتن نیست. حتما نقد نکردن و سکوت نیست. حتما تعطیلی مطالبه نیست. حتما عبور از قانون نیست. وفاق یعنی قانون سر جای خود، تکثر سر جای خود، اختلاف سلیقه به جای خود، نقد و گلایه به جای خود، اما برای رسیدن به اهداف ملی و مشترک باید از موضع شخصی و جریانی مان کوتاه بیاییم. طبیعی است زمانی رعایت این اصل اخلاقی ضروری است که بتواند ما را به هدف مشترک برساند. در غیر این صورت توقف در ظاهر وفاق، مخدر است.

وفاق ریاکارانه تنها خلسه ای از حکمرانی یکدست می سازد و باری از دوش مردم برنمی دارد. نقد و گلایه و اصلاح و تغییر هست، اما به روش دلسوزی نه جگرسوزی؛ به قصد دست‌گیری و نه مچ‌گیری. اگر جایی هم از ظاهر وفاق عبور می شود، غرض و نیت اصلی باطن وفاق و ایصال نهایی به مقصود عالی دولت است. غرض وفاق، همدلی و نصرت است ولو در جایی با تلخی محقق شود.

با این توضیح آقای پزشکیان مسیر درستی را پیش رفته اند. عرض خیرخواهانه این است که اجازه ندهند روایت های انحرافی از وفاق غالب شود؛ روایت کسانی که با نعل وارونه از این اصل اخلاقی، منیت و خودخواهی را نتیجه می گیرند و غرض نهایی شان این است که تنها ما حقیم و دیکتاتورمآبانه می خواهند وفاق را ابزار سرکوب قانون و تکثر و نقد و مطالبه کنند.

آقای پزشکیان، پروژه وفاق با کسانی پیش می رود که از بن وجود به اهداف عالیه انقلاب اعتقاد دارند، نه دیکتاتوری ظاهرگرایانی که پشت نقاب وفاق صف بسته اند. وفاق حقیقی را آنهایی پیش می برند که ولو در ظاهر همرنگ شما نیستند و در مواردی دلسوزانه نقد می کنند، اما با تمام وجود پای تلاش دولت برای خدمت به مردم ایستاده اند و موفقیت شما را توفیق انقلاب و اسلام می دانند.

تصمیم مسعود؟!

اما روزنامه شرق در یادداشتی با عنوان «تصمیم مسعود؟!» به بررسی آینده دولت چهاردهم پس از ازدست دادن دو عضو کابینه، وزیر اقتصاد و معاون راهبردی، پرداخته است.

این روزنامه در این زمینه نوشت: ۱- ناصر همتی، وزیر اقتصاد با رأی مجلس برکنار شد، انیمیشن کوتاه «سایه بلندسرو» برنده جایزه اسکار شد.

این دو واقعه ظاهرا بی ربط با یکدیگرند، اما چیزهایی به نظر این دو را به هم وصل می کند. استیضاح را می توان حاصل نگاهی در نظام حکمرانی دانست (نگاهی غالب و پیش رونده) که مروج تمرکزگرایی، درون‌گرایی و قراردادن همه چیز در ید دولت و حکومت و هر چه محدودکردن ارتباط و تعامل با جهان است و از این مسیر زیان های بس هنگفت مادی، روحی و روانی به جامعه تحمیل کرده و سرزمینی با ظرفیت ها و استعدادهای بی نظیر انسانی، جغرافیایی، معدنی و... را در ردیف های آخر توسعه و رفاه و... قرار داده است.

از سوی دیگر موفقیت انیمیشن «سایه بلندسرو» ثمره کار انسان هایی است که سخت در تقلا و تلاش برای اثبات فاعلیت خود و نیز ارتباط با جهان و اثبات توانمندی های عظیم فرهنگی، تمدنی و قدرت خلاقانه مردم این سرزمین در پهنه بین المللی اند، تلاشی که برخلاف سویه قبلی، با ساخت یک انیمیشن کوتاه چند دقیقه ای افتخاری تاریخی برای کشوری بزرگ و کهن خلق می کند.

این تفاوت نگرش دولت و جامعه در کشورمان متأسفانه سابقه تاریخی دارد. از حاکمیت بلاواسطه دولت بر تمامی حوزه های زندگی انسان ایرانی طی یک قرن اخیر و هر چه محدودترکردن دایره آزادی و انتخاب جامعه تا نگاه غیرواقعی به روابط بین المللی بر بنیان های ارزشی و ایدئولوژیک و گفتمان «تضاد منافع» به جای «اشتراک منافع» که جز محروم‌کردن کشور از دانش و امکانات جهانی، نتیجه ای در بر نداشته و ندارد.

شاید بهترین و البته دردناک‌ترین شاهد و مصداق آن، شکست مهم‌ترین سند بالادستی اقتصادی کشور یعنی سند چشم انداز ۱۴۰۴ باشد که به جای آنکه کشور اول منطقه در علم و فناوری و اقتصاد شویم و جزء ۱۰ اقتصاد برتر جهان با تولید ناخالص داخلی دو هزار میلیارد دلار، دارای دومین نرخ تورم بالا و چهارمین نرخ بی کاری بالا در منطقه شده ایم و به رتبه یازدهم در شاخص توسعه انسانی در منطقه سقوط کرده ایم و درآمد ناخالص ملی سرانه کشورمان به جای ۳۰ هزار دلار حدود پنج هزار و ۵۰۰ دلار یعنی حدود یک هفتم قطر و تنها کمی بالاتر از ترکمنستان، عراق، پاکستان و افغانستان قرار دارد.

۲- جدال گرایشی غالب در نظام حکمرانی با جامعه که خود را در قالب «استیضاح وزیر اقتصاد» نشان داد، اگرچه با موفقیت استیضاح‌کنندگان تمام شد، اما واقعیت آن است که برنده ای در این میدان وجود ندارد. دولت شکست خورد، اما مخالفان هم پیروز نشدند. چراکه نه فقط آنکه مسئله بر جای خود باقی است بلکه با افزایش شکاف درون سیستم و به‌کمارفتن پروژه وفاق باید منتظر تشدید بحران اقتصادی و به تبع آن بحران اجتماعی نیز بود.

وضعیتی بس دردناک برای مردمی که هم‌اکنون نیز تحت سخت‌ترین فشارهای اقتصادی گذران می‌کنند و هرروزه نیز از توان مادی، روحی و روانی آنان کاسته و در این بی‌افقی، بر دردورنج آنان افزوده می‌شود.

چنانکه گزارش اخیر مرکز آمار از رشد اقتصادی کشورمان در پاییز از رقم نازل ۱.۶ درصدی حکایت می‌کند که پایین‌ترین میزان رشد فصلی از پاییز سال ۱۳۹۹ به این سو محسوب می‌شود. کاهش رشدی که طبق پژوهش صندوق بین‌المللی پول به واسطه بی‌ثباتی سیاسی و از طریق کاهش نرخ رشد بهره‌وری بر رشد اقتصادی اثر منفی می‌گذارد.

چنانکه طبق گزارش بانک جهانی شاخص ثبات سیاسی ایران در فاصله سال های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۳ بالغ بر ۰.۷۷ واحد کاهش یافته و رتبه ایران از رده ۱۸۰ جهان به ۱۹۴ در میان ۲۱۱ کشور سقوط کرده است (دنیای اقتصاد-۱۴۰۳/۱۲/۹).

۳- آقای پزشکیان با توجه به اتفاق استیضاح (و البته استعفای محمدجواد ظریف) اکنون در معرض تصمیم‌گیری های بزرگ قرار دارد و شاید سه راه بیشتر در مقابل خود ندارد: ادامه روند فعلی که چیزی جز از دست دادن آخرین سرمایه های اجتماعی و افزایش ضعف و ناکارآمدی ساختار بوروکراتیک و مصلوب‌الاختیار شدن در سکانداری امور نیست. راه دوم، شانه خالی کردن از ادامه مسیر و واگذاری امور به کسانی که ادعای حل تمامی مسائل و مشکلات و بهبودی زندگی مردم، علی رغم تشدید فضای تحریم ها در آینده نزدیک دارند و سومین راه، تداوم سکانداری امور با تقویت دولت و گشودن مسیرهای جدید از طریق ارائه یک برنامه مشخص است.

برنامه‌ای اضطراری مبتنی بر چارچوب علمی و فکری مشخص و منسجم در حوزه های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مورد قبول کلیت نظام حکمرانی، برنامه‌ای که حاصل تحلیلی جامع از مسائل و مشکلات و با درک وضعیت خاص و ویژه کشور باشد.

متأسفانه آنچه بیش از هرچیز تاکنون در دولت چهاردهم شاهد بوده ایم، توصیه های اخلاقی و درددل‌گونه با مردم و نهادهای حاکمیتی و... و در واقع جایگزینی توصیه های اخلاقی به جای «سیاست‌گذاری اقتصادی و اجتماعی» بوده است.

چنانکه در موضوع ناترازی سوخت به جای تبیین یک سیاست مشخص در این حوزه با توصیه جناب پزشکیان در خاموش‌کردن چراغ های اضافی و کاهش دودرجه‌ای و... و تعطیلی ادارات و مراکز آموزشی و... مواجه بوده ایم و اینکه قرار نیست قیمت سوخت افزایش یابد (آخرین آنها اظهارات سخنگوی دولت – ۱۴۰۳/۱۱/۱۰) در حالی که بر هر کارشناس اقتصادی واضح است که بدون تغییر قیمت این حامل ها در چارچوب وجود ثبات سیاسی و پشتوانه قوی اعتماد اجتماعی و یک برنامه اصلاحات ساختاری (ونه تغییر قیمت یک یا چند حامل طبق رویه‌ای که تاکنون معمول بوده و به حوادث دردناکی از جمله در سال ۹۸ منجر شد) نمی توان این ناترازی بزرگ را رفع و رجوع کرد.

دولت مقتدر و پاسخ‌گو، جامعه مشارکت جو و امیدوار و در تعامل با جهان، سه ضلعی است که امکان گذر از «راه باریک آزادی» و نمایش ایرانی با فرهنگ و شایق و لایق پیشرفت و توسعه را در معرض دید جهانیان می‌گذارد. «بخش عظیمی از ترقی بشر به پیشرفت در نقش و ظرفیت حکومت به منظور پاسخ‌گویی به چالش های جدید در عین قدرتمندتر و هوشیارترشدن جامعه بستگی دارد» (راه باریک آزادی) تصمیم مسعود این است آیا؟!

نقش عاملیت دولت را باید خود دولت جدی بگیرد

دنیای اقتصاد هم در مورد اینکه از این پس چه می‌شود با سعید آجرلو، کارشناس مسائل سیاسی گفت و گو کرده است. او می گوید: مجلس، توانست رای اعتماد ۱۹۲ نفری داشته باشد و فقط ۸۰ نفر مخالف داشت، در پنج، شش ماه گذشته چه اتفاقی افتاده که موافقانش تبدیل به مخالف شدند. اگر بگوییم هسته سخت مجلس، مخالف دولت و عضو ستادهای آقای جلیلی بودند، اما سوال اساسی اینجاست که آیا او در راستای موفقیت کشور و راهبرد رهبری حرکت کرده است؟»

او در ادامه توضیح داد: «در زمان استیضاح ۱۸۲ نفر موافق بودند و آنها در روز استیضاح مخاطب حرف های آقای رئیس جمهور و معاون پارلمانی و خود همتی بودند؛ بنابراین باید دید چرا فقط در نهایت ۸۰ نفر موافق باقی مانده است و بقیه به استیضاح رای دادند.»

این کارشناس مسائل سیاسی به تحلیل شرایط پرداخت: «به نظر من شروع استیضاح همتی از سوی مخالفان یعنی یک حلقه ۶۰ نفره بوده و جنبه های سیاسی داشته است، اما به نظر من رای عدم اعتماد به این دلیل بوده که همتی نتوانسته توضیح دهد، ارز چرا افزایش یافته و آینده آن چه خواهد شد؟ نتوانسته قطع ارز ترجیحی و بالا رفتن قیمت دلار را توضیح دهد.»

او در بسط این موضوع گفت: «حدود ۱۸۰ نفر حاضر بودند استدلال های آقای همتی را بشنوند که او بگوید چه کار می خواهد بکند. او پیش‌تر در برخی از جلسات برخلاف بانک مرکزی رفع تحریم را عامل گشایش دانسته و گفته او نمی تواند بدون مذاکره آینده اقتصادی را ترسیم کند و به هر حال او نتوانست فضای عمومی مجلس را اقناع کند و عدم کنترل بر بازار ارز را توجیه کند. از سوی دیگر آقای رئیس جمهور هم نتوانست این خلأ را جبران کند. ادبیات پزشکیان غالبا از جنسی است که حرف های کلی می زند و وارد موضوع نمی شود. این ممکن است در زمینه هایی جواب دهد، اما در زمینه اقتصادی این کار جواب نمی دهد.»

آجرلو تاکید کرد: «آنچه من از رئیس جمهور دیدم این بود که او هم نتوانست نماینده ها را اقناع کند؛ بنابراین این تصویری است که من از کل این استیضاح دارم.»

آجرلو ادامه داد: «آقای همتی سال ۱۴۰۳ با آقای همتی بانک مرکزی متفاوت است، چرا که ایشان در زمان انتخابات، علیه شهید رئیسی و جلیلی به شدت انتقادات تندی کرد و در طول دولت سیزدهم کمپین خود را ادامه داد و همچنان انتقاد می کرد. به نظر من سیاسی شدن همتی هم تاثیر داشت و می توان بخش زیادی از این اتفاق را در این چارچوب تحلیل کرد.»

او با تاکید بر اهمیت عاملیت دولت ادامه داد: «تصویری که رئیس جمهور ارائه می دهد کم و بیش نشان از دولتی منسجم و مقتدر نیست. از سوی دیگر مخالفان او منسجم‌تر هستند؛ بنابراین عاملیت دولت را نمی توان نادیده گرفت. دولت باید ایده، گفتار، کارگزار و پروژه داشته باشد. من رابطه بین ایده، کارگزار و پروژه را نمی بینم که بتوانیم بگوییم سامان سیاسی دارد. پروژه دولت در حوزه نفت چیست؟ پروژه دولت در حوزه انرژی چیست؟» تنها پروژه‌ای که داریم می بینیم در حوزه کالابرگ است که در همراهی با مجلس انجام می شود و همچنین توفیقاتی در زمینه رفع فیلتر و توقف قانون حجاب داشته است.

در کوی دانشگاه هم خوب کار کرده، اما در رابطه با معیشت چه می خواهد انجام دهد؟ جدا از عاملیت سیاسی، عاملیت اجرایی و اقتصادی هم مهم است. رابطه ایده و کارگزار در دولت پزشکیان دیده نمی شود و این تجربه دولت دوم آقای روحانی را به یاد می آورد.»

او تصریح کرد که نقش عاملیت دولت را باید خود دولت جدی بگیرد. وقتی من صحنه را نگاه می کنم، لحن دولت لحن گشایشگر نیست و پاستور هم پاستور قدرتمندی نیست که وزرا را هماهنگ کند.

آجرلو درباره موضوع ظریف هم گفت که اتفاقی نماد دین برای حامیان پزشکیان بود: «من می فهمم برای پزشکیان کار سختی است که از این فضایی که وجود دارد، بیرون بیاید، اما به نظر من در حال حاضر راست توده‌ای و چپ جنبشی به دنبال استعفای پزشکیان هستند، ولی او همچنان می تواند معنا بسازد و از حوزه کار و معیشت شروع کند، سرمایه‌ای درست کند و اعتبار دولت را نزد مردم بالا ببرد.»

و در نهایت تاکید کرد: «این تصویری است که من از آینده دارم. اینها واقعیت های سیاسی است. پزشکیان در مجلس ۹۰ نفر مخالف دارد، ولی در سطح جهانی و داخلی فرصت هم دارد و باید عاملیت دولت را به آن بازگرداند.»

نمی توانستند فرزین را استیضاح کنند

روزنامه صبح نو هم، در گزارشی با عنوان «خروج همتی از کابینه» به بررسی استیضاح عبدالناصر همتی، وزیر سابق اقتصاد پرداخته است و به نکته‌ای دیگر اشاره می کند.

این روزنامه آورده است: استیضاح همتی بیشتر از هر چیز به دلیل افزایش بی رویه قیمت دلار بود. او به واسطه اینکه نمی توان فرزین را استیضاح کرد مسئول قیمت ارز شناخته شد و به مجلس رفت و نتوانست به باب همایون بازگردد. ضعف معاون پارلمانی رییس جمهور، رتوریک نامناسب خود همتی و وارد نشدن پزشکیان به موضوع استیضاح و اشاره به کلیات از عوامل رای آوری این استیضاح بود.

در این میان البته نباید فراموش کرد که برخی از حامیان یک نامزد انتخاباتی که علاقه ندارند از فضای تیر ماه بیرون بیایند مرتب ماجرای استیضاح فاطمی امین را به میان می کشیدند و می گفتند که مجلس با دولت جدید بر خلاف دولت قبل مدارا می کند در حالی که تنها وزیر استیضاح شده دولت قبل وزیر صمت بود و همتی هم طبق قانون و خواسته نمایندگان استیضاح شد و در این میان در این دو استیضاح قالیباف وظیفه قانونی خود را انجام داد.

جبهه پایداری در استیضاح همتی، حمایت قالیباف و دوستانش را داشت

در انتها هم بشنوید از دیدگاههای حزب کارگزاران سازندگی. حسین مرعشی، دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی، در گفت و گویی با خبرآنلاین، درباره خروج ۲ چهره کلیدی عبدالناصر همتی و محمد جواد ظریف از دولت بیان کرد: «جبهه پایداری که استیضاح آقای همتی را کلید زدند، از حمایت آقای قالیباف و دوستان ایشان برخوردار بودند. به نظر من، آقای قالیباف و مجلسی ها با توجه به شرایط سخت اقتصادی فکر می کردند که یک پاسخی به این شرایط بدهند اما این موضوع، مسئله ای را حل نخواهد کرد. ما این تجربه را زیاد داشته ایم که زمانی قیمت سکه ۵ میلیون تومان شد، نظام جمهوری اسلامی سلطان سکه را اعدام کرد ولی رشد آن هیچ وقت متوقف نشد و الآن قیمت سکه ۷۵ میلیون تومان شده است.»

> جبهه پایداری که استیضاح آقای همتی را کلید زدند، از حمایت آقای قالیباف و دوستان ایشان برخوردار بودند. به نظر من، آقای قالیباف و مجلسی ها با توجه به شرایط سخت اقتصادی فکر می کردند که یک پاسخی به این شرایط بدهند اما این موضوع، مسئله ای را حل نخواهد کرد. ما این تجربه را زیاد داشته ایم که زمانی قیمت سکه ۵ میلیون تومان شد، نظام جمهوری اسلامی سلطان سکه را اعدام کرد ولی رشد آن هیچ وقت متوقف نشد و الآن قیمت سکه ۷۵ میلیون تومان شده است

وی ادامه داد: این موضوع روند خاص خود را دارد و در صلاحیت من نیست که بگویم قیمت سکه در آینده چقدر خواهد شد اما کشوری که بیش از ۴۰ درصد تورم سالانه دارد، مشخص است که قیمت ارز تغییر کرده و گران خواهد شد. الآن هم که آقای همتی را برکنار کردند، قیمت ارز متوقف نخواهد شد.

دبیرکل حزب کارگزاران تاکید کرد: خصوصا اگر صادرات نفتی ایران خدایی ناکرده بر اثر فشار حداکثری ترامپ کاهش پیدا کند، اثرات شکننده ای برای اقتصاد ایران خواهد داشت. بنابراین، این یک برخورد سطحی از سوی مجلس با پیچیده ترین مسائل کشور بود. این چهره سیاسی اصلاح طلب با اشاره به استعفای معاون راهبردی رئیس جمهوری خاطرنشان کرد: درباره آقای ظریف دو بحث مطرح است؛ از همان ابتدا افراد جبهه پایداری به دنبال زدن آقای ظریف به بهانه دوتابعیتی بودن فرزندان ایشان بودند. تابعیت فرزندان آقای ظریف قهری است. ایشان نماینده جمهوری اسلامی در نیویورک بوده است و زمانی که فرزندانشان به دنیا آمدند، تبعه آمریکا تلقی شده و هم شناسنامه ایرانی و هم گذرنامه آمریکایی دارند. این موضوع مختص تنها آقای ظریف نیست.

وی افزود: اگر قوه قضائیه به این نتیجه رسیده است که این کار غیرقانونی است، چرا درباره آقای ظریف اعمال شده است و چرا درباره سایر دوستان دیگری که در دولت هستند، اعمال نشد؟ اگر قرار بود قانون بدون تبعیض اعمال شود، باید برای سایر دوستان هم اعمال شود.

مرعشی با بیان اینکه این ماجرا را استعفا تلقی نمی کنم و برکناری آقای ظریف به واسطه قوه قضائیه بود، نه رئیس جمهور. گفت: به لحاظ سیاسی، این برکناری سوالات زیادی را مطرح می کند. یکی از مهم ترین ابعاد این مسئله، زیان به طرف هایی است که علاقه مند به وساطت میان ایران و غرب هستند.

دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ادامه داد: یعنی این ماجرا برای طرف هایی که می خواهند گفت و گوهای سالم، قوی و شرافتمندانه میان ایران و غرب صورت بگیرد، زیان منفی است. به این معنا که جریان حاکم در ایران علاقه مند به گفت و گو نیست. آقای ظریف نماد گفت و گو در سیاست خارجی ایران است، ولو اینکه نخواهیم مذاکره کنیم، مصلحت نبود که در این شرایط حساس روابط بین المللی ما، ایشان حذف شود.

این فعال سیاسی اصلاح طلب با بیان اینکه آقای ظریف در یک گوشه ای می نشست، نان و چای خود را می خورد و هر جایی که لازم به کمک ایشان بود، به لحاظ سیاسی کمک می کرد و نیازی به حذف او در این شرایط حساس نبود، تصریح کرد: اگر قرار باشد که جبهه پایداری گرداننده مجلس باشد و کنترل مجلس از دست آقای قالیباف و نیروهای میانه رو خارج شود، فشارهایی را متوجه دولت می کنند که آقای رئیس جمهور را آزرده می کند و مانع نقش آفرینی سازنده او در عرصه سیاسی می شود.

وی ادامه داد: این پایداری ها به فشار به آقای پزشکیان و ناامید کردن او ایستاده اند. این افراد فقط خودشان را دیده، سهم خود و افکار خود را قبول دارند. ایران و مردم ایران را دوست ندارند و به مصالح ایران، جمهوری اسلامی و رهبری فکر نمی کنند.

مرعشی در پایان هشدار داد: بزرگان جمهوری اسلامی، سران قوا و بزرگان مجلس اجازه ندهند که پایداری ها با این فرمان حرکت کنند. جبهه پایداری در زمین اسرائیل بازی می کند و کشور را به سمت شرایط خطرناکی سوق می دهد. این مسئله را باید جدی گرفت و نباید حرف آخر آنان که می خواهند پزشکیان را از عرصه سیاسی حذف کنند را جلو ببرند. این حرف آنقدر خطرناک است که امنیت ملی ما را در معرض چالش جدی قرار می دهد.